

Proportionality of government expediency and responsibility for environmental pollution

Abstract:

One of the most important issues regarding environmental pollution in Iranian law is the issue of balancing the expediency and responsibility of the government, because if it causes pollution and damage to the government, it will cause difficulties. Because the government structure is made up of individuals whose actions may sometimes intentionally or unintentionally cause serious pollution and damage to the environment, and since the environment has no private claimant, the compensation ratio may sometimes be neglected. As a result, the government should not be held responsible. Therefore, the interest of the government requires that the pollution caused and the damage done by the person or persons under the control of the government be compensated. So the question that will arise in this regard is how to assess the expediency and responsibility of the government in relation to environmental pollution? Therefore, according to the research question in a descriptive-analytical manner and using library tools, we came to the conclusion that in general, the government is responsible and enforces laws and regulations, but the protection of public interest is also one of the main goals and policies of the government. Sometimes it leads the government to ignore and violate the rules and regulations, in other words, the interest of society requires the government to ignore some principles and red moral and human lines in the field of environment and assign responsibility to the government.

Keywords: expediency, responsibility, government, government responsibility, environmental pollution.

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.299728.2132>

نسبت‌سنجی مصلحت و مسؤولیت دولت در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی

امیر بشیری^۱

تاریخ دریافت ۲۳/۰۵/۱۴۰۰

محمدجواد جعفری^۲

تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۷/۱۴۰۰

چکیده

یکی از مهمترین مسائلی که در خصوص آلودگی‌های زیست‌محیطی در حقوق ایران به چشم می‌خورد، مسئله نسبت‌سنجی مصلحت و مسؤولیت دولت می‌باشد چرا که اگر عامل آلودگی و زیان دولت باشد، دشواری‌هایی را به بار خواهد آورد. از آنجا که ساختار دولت متشکل از افرادی است که ممکن است اقداماتشان گاه خواسته یا ناخواسته باعث بروز آلودگی و خسارت شدیدی به محیط زیست گردد و از آنجا که محیط زیست مدعی خصوصی ندارد، ممکن است در برخی از اوقات نسبت جبران خسارت وارده آمده صرف‌نظر گردد و در نتیجه مسؤولیتی گریبانگیر دولت نباشد. لذا مصلحت دولتی ایجاب می‌نماید که آلودگی ایجاد شده و خسارت به عمل آمده توسط شخص و یا اشخاصی زیر نظر دولت می‌باشند جبران گردد. از این‌رو سؤالی که در این خصوص بوجود خواهد آمد این است که نسبت‌سنجی مصلحت و مسؤولیت دولت در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی چگونه است؟ لذا با توجه به سؤال تحقیق به صورت تفسیری - کیفی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیدیم که در حالت کلی دولت مسؤول و مجری اجرای قوانین و مقررات است، اما حفظ منافع عمومی نیز جزء اهداف و خط مشی‌های اصلی دولت به شمار می‌رود که در برخی از اوقات منجر می‌گردد دولت قوانین و مقررات را نادیده گرفته و آنها را نقض نماید، به سخن دیگر یعنی مصلحت جامعه اقتضا می‌کند که دولت برخی از اصول و خطوط قرمز اخلاقی و انسانی در قلمرو محیط زیست را نادیده بگیرد و مسؤولیتی به دولت منتسب نگردد.

کلید واژه: آلودگی زیست‌محیطی، دولت، مصلحت، مسؤولیت، مسؤولیت دولت.

^۱ گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

^۲ گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) dr.jafari14@gmail.com

امروزه تعهدات زیست‌محیطی در شمار مهمترین تعهدات چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی قرار دارند که نقض آن باعث ورود خسارت و زیان‌های همگانی می‌گردد و مسئولیت به دنبال خواهد داشت. هر ساله به طرق گوناگون محیط زیست تخریب شده و دچار آلودگی می‌گردد.

در سالهای اخیر حوادث مربوط به آلودگی‌ها در ایران باعث ورود خسارت شدید به محیط زیست گردیده است. مسئله حفاظت از محیط زیست در قبال آلودگی‌ها امروزه در سطح بین‌المللی مطرح است و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را در قبال آلودگی‌های محیط زیست به دنبال خواهد داشت. در کشور ما نیز در قوانین مختلف به حفاظت از محیط زیست تأکید شده است. به‌عنوان مثال قانون اساسی اصولی را به محیط زیست اختصاص داده است. اصل چهل و پنجم و پنجاهم قانون اساسی به ضرورت حفاظت از محیط زیست در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی تأکید دارد. حفظ محیط زیست، پاسخ به یکی از نیازهای امروز جامعه برای نگاهداری بیشتر از محیط زیست و رعایت حقوق عمومی است و تخریب محیط زیست معلول نابرابریهای اجتماعی و استفاده‌های غلط از طبیعت و یکی از عوامل تضعیف حقوق انسانهاست.

در سالهای اخیر حوادث مربوط به آلودگی‌ها در ایران باعث ورود خسارت شدید به محیط زیست گردیده است. مسئله حفاظت از محیط زیست در قبال آلودگی‌ها امروزه در سطح بین‌المللی مطرح است و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را در قبال آلودگی‌های محیط زیست به دنبال خواهد داشت. در کشور ما نیز در قوانین مختلف به حفاظت از محیط زیست تأکید شده است. به‌عنوان مثال قانون اساسی اصولی را به محیط زیست اختصاص داده است. اصل چهل و پنجم و پنجاهم قانون اساسی به ضرورت حفاظت از محیط زیست در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی تأکید دارد. وارد آوردن خسارت به محیط زیست و آلوده نمودن آن هم مسئولیت مدنی و هم مسئولیت کیفری را به دنبال دارد. تمامی اینها نشان از اهمیت محیط زیست در نظر دولت می‌باشد. اما با توجه به تعدد قوانین در خصوص حفاظت از محیط زیست باز شاهد این هستیم قانون‌گذاری‌ها در زمینه حمایت از محیط زیست و شیوه‌های جبران خسارت وارد بر آن به درستی صورت نمی‌گیرد تا در وهله نخست از آلودگی‌های زیست‌محیطی جلوگیری نماید و در وهله بعد خسارات وارده به محیط زیست ناشی از این آلودگی‌ها را جبران نماید.

از آن‌جا که عموماً دولت مجری قوانین زیست‌محیطی می‌باشد به نظر می‌رسد در الزام بخش خصوصی به رعایت ملاحظات زیست‌محیطی از نوعی توفیق نسبی برخوردار هستند. اما در الزام واحدهای دولتی و به تعبیری ملزم نمودن واحدهای تابعه خود، با نوعی چالش مواجه هستند. چرا که هدف دولت در انجام فعالیت‌های زیست‌محیطی حفظ مصلحت عمومی است نه مصلحت خصوصی. به تعبیری دیگر با توجه به مسئول بودن دولت در قابل حفاظت و حمایت از محیط زیست و جبران خسارات وارده بر آن اگر در صورت بوجود آمدن خسارت به محیط زیست ناشی از آلودگی دولت را مسئول جبران خسارت بدانیم باید مسئولیت به دولت منتسب گردد، اما از طرف دیگر باید در نظر داشت که دولت حفظ منافع عمومی و مصلحت

عمومی را در نظر دارد برخی از اوقات مصلحت عمومی این ضرورت را ایجاب می‌کند که یکسری از مقررات و قوانین زیر پا گذاشته شود و نقض گردد؛ از این‌رو گاه دولت‌ها ناگزیر دست به اقداماتی می‌زنند که مصلحت عمومی را در پی دارد اما از طرفی منجر به نقض قوانین می‌گردد، این نقض قوانین در برخی از اوقات جنبه زیست‌محیطی به خود می‌گیرد؛ یعنی ممکن است دولت بر اساس منفعت عمومی ناچار دست به اقدامی همچون از بین بردن جنگل‌ها و مراتع به منظور راه‌سازی و تونل‌سازی و دیگر مسائلی از این قبیل گردد که با توجه اولویت در حفظ منابع عمومی است در این صورت مصلحت بر این است که دولت برخی از قوانین و مقررات را نادیده گرفته و آنها را نقض نماید؛ از این‌رو در این‌گونه موارد می‌توان به این موضوع اشاره داشت که مسؤولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست گریبانگیر دولت نمی‌باشد.

نگارش این مقاله از دو بعد نظری و عملی نیز حائز اهمیت و ضرورت است:

از لحاظ نظری فهم نسبت سنجی مصلحت و مسؤولیت دولت و جایگاه آن در حقوق داخلی می‌تواند تا حدود زیادی تصویر دقیق‌تری را نسبت به مسؤولیت دولت در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی بر ما نمایان سازد؛ اما از لحاظ عملی اجرای این پژوهش می‌تواند نقش مصلحت را در جبران خسارت و مسؤولیت دولت در حفظ محیط زیست روشن کرده و با تشریح دقیق این مسأله مسؤولین حوزه محیط زیست را وادار کرد تا به الزامات حفظ محیط زیست در دنیای پیچیده امروز بیشتر توجه کنند.

(۱) پیشینه تحقیق

۱- علی مشهدی، (۱۳۹۵)، پژوهشی تحت عنوان «دولت و محیط زیست از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی» انجام داد که در این پژوهش در مورد نسبت تکالیف دولت و حفظ محیط زیست در آموزه‌های حقوق عمومی دیدگاه‌های متنوعی مطرح است. حداقل می‌توان در چارچوب وظیفه عمومی مذکور در اصل پنجاه قانون اساسی سه رویکرد تفسیری تحلیلی را از همدیگر تفکیک نمود. رویکرد نخست مبتنی بر محوریت دولت در حفاظت از محیط زیست و تضمین حق بر محیط زیست سالم است (رویکرد دولت محور)؛ رویکرد دوم از ضرورت عدم حضور دولت یا حضور حداقلی آن در امر حفاظت دفاع می‌نماید (رویکرد بدون دولت) و در نهایت رویکرد مشارکت که مبتنی بر انگاره همکاری میان بازیگران دولتی، غیردولتی و نیز شهروندان در امر حفاظت از محیط زیست و اجرای سیاستها است. در این مقاله سعی شده است ابعاد مختلف این امر در چارچوب نظام حقوق عمومی تحلیل گردد. فرض بنیادین این مقاله بر این مبنا استوار است که در چارچوب اصل پنجاه قانون اساسی «عمومی سازی حفاظت از محیط زیست» مستلزم همکاری و مشارکت دولت با شهروند است. لذا ابتدا رویکردهای سه‌گانه پیش گفته تحلیل و سپس به‌عنوان نتیجه، رویکرد همکاری بحث شده است.

۲- مهرداد جلیلیان، (۱۳۹۵)، پژوهشی تحت عنوان «بررسی وظایف دولت از آلودگی‌های محیط زیست» انجام داد که در این پژوهش سعی بر این است، به شیوه تحلیلی - توصیفی ضمن بررسی موضوع، نقاط ضعف موجود مشخص و در نهایت به

وظیفه دولت در جلوگیری از آلودگی محیط زیست که می‌تواند در قالب تقدیم لوائح، صدور آیین نامه‌های اجرایی، دستورالعملها و باشد، پرداخته شود.

۳- احسان کامرانی، (۱۳۹۵)، پژوهشی تحت عنوان «تکالیف و تعهدات محیط زیست در دولت جمهوری اسلامی ایران» انجام داد که این پژوهش با هدف جایگاه، اختیارات و عملکرد سازمان محیط زیست در ایران می‌باشد که به صورت توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است. نتایج نشان داد خلاءها و کاستیهای گوناگون در قوانین و مقررات موجود در کنار ساختار کنونی سازمان حفاظت محیط زیست و کارکرد این سازمان را ناکارآمد ساخته است. این کاستیها در سه دسته قابل دسته‌بندی هستند: خلاءهای قانونی مربوط به جایگاه و وظایف سازمان، خلاءهای قانونی در خصوص روابط میان سازمانی این سازمان و دیگر سازمانها مرتبط با محیط زیست و سرانجام مشکلات برون سازمانی این خلاءها و نبود برنامه‌های جامع توسعه پایدار کشور و عدم نظارت مجلس بر مسایل محیط زیستی زمینه‌ساز عدم مدیریت جامع، یکپارچه و کارآمد محیط زیست کشور شده است. راه‌حل پیشنهادی لازم در این زمینه اتخاذ رویکرد مدیریت جامع و یکپارچه محیط زیست از طریق اصلاح قوانین محیط زیست و ادغام آن در بطن یک مجموعه و نیز ادغام نهادهای موازی محیط زیستی در قالب یک وزارتخانه قوی است.

۴- رقیه حیدری، (۱۳۹۵)، پژوهشی تحت عنوان «بررسی آلودگی‌های زیست‌محیطی در کشورهای جهان اسلام» انجام داد که نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان داد که کشورهای جهان اسلام با چالش‌ها و آلودگی‌های زیست‌محیطی مختلفی روبه‌رو هستند. همچنین، نرخ بسیار سریع رشد شهری در منطقه و تمرکز جمعیت در مناطق شهری منجر به افزایش آلودگی هوا می‌شود. علاوه بر آن، فرایندهای صنعتی، دفع نامناسب زباله‌های جامد و خطرناک، تولید گازهای کارخانه‌ای توسط وسایل نقلیه و سوخته شدن سوخت به‌منظور تولید برق در نیروگاه‌ها، از منابع اصلی آلودگی هستند و با رشد تکنولوژی، مصرف گرایی، شهرنشینی و زندگی ماشینی، بیش از پیش به آلودگی‌ها و مشکلات زیست‌محیطی شهرهای جهان و همچنین جهان اسلام می‌افزاید و در نتیجه آن، نگرانی‌های انسان معاصر در مواجهه با این چالش‌های بحرانی مضاعف می‌گردد.

۲) چارچوب نظری تحقیق

حفظ محیط زیست، پاسخ به یکی از نیازهای امروز جامعه برای نگاهداری بیشتر از محیط زیست و رعایت حقوق عمومی است و تخریب محیط زیست معلول نابرابریهای اجتماعی و استفاده‌های غلط از طبیعت و یکی از عوامل تضييع حقوق انسانهاست. انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات و جانشین خداوند بر روی زمین، حق دارد از نعمتهای الهی استفاده کند؛ اما این استفاده نباید آن‌چنان باشد که حق دیگران در بهره‌برداری از این نعمت الهی در خطر قرار گیرد. به عبارت دیگر، انسان همان گونه که حق استفاده و بهره‌مندی از محیط زیست سالم را دارد، مسئولیت درست استفاده کردن از آن را نیز بر عهده دارد. با نگاهی به وضعیت فعلی محیط زیست، در می‌یابیم که انسانها در بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست به مسئولیت خود در حفظ و حراست از آن به درستی عمل نکرده‌اند. شاهد این سخن، بحران عظیمی است که محیط زیست دچار آن شده است.

تخریب و نابودی روز افزون جنگلها و مراتع، نابودی گونه‌های نادر گیاهی و جانوری، آلودگی آب، خاک و هوا، استفاده از سلاحهای هسته‌ای و شیمیایی، ورود مواد نفتی و آلاینده‌های دیگر مانند: فاضلاب کارخانه‌ها و مجتمع‌های صنعتی به رودخانه‌ها و دریاها، آسیب دیدن لایه ازن، بارانهای اسیدی، مصرف روز افزون سوختهای فسیلی، استفاده بی‌رویه از سموم دفع آفات نباتی و ده‌ها عامل آلوده کننده دیگر که نام بردن از آنها فقط بر تلخ کامی و ناراحتی انسان می‌افزاید گویای این واقعیت مهم است که بشر در داد و ستد خود با محیط زیست، راه خطرناک و مهلکی را در پیش گرفته که نتیجه آن چیزی جز به خطر افتادن سلامت و حیات انسان و دیگر موجودات نخواهد بود.

فعالیت‌های انسان برای رسیدن به رفاه و توسعه اقتصادی و اجتماعی، خود باعث تخریب محیط زیست شده است. این تخریب آنچنان در وضعیت آب و هوای کره زمین، دگرگونی ایجاد کرده که سلامتی و حیات او و سایر موجودات زنده را به خطر انداخته است.

محیط زیست یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار به شمار می‌آید؛ در این راستا تلاش می‌شود فرایند توسعه به گونه‌ای هدایت شود که ضمن حداکثر سازی ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی، نظام طبیعت پویایی تعادلی خود را از دست ندهد. واقعیت‌های پیرامون ما نشان می‌دهد که کره زمین، دستخوش بحران زیست‌محیطی است. کاهش جنگلها، آلودگی هوا و آب، گرم شدن کره زمین و تغییرات جوی، بالا آمدن آب دریا، انبوه زباله‌های شهری و صنعتی، تهی شدن منابع، تخریب مراتع، کاهش تنوع زیستی، تخریب لایه ازن و ... خود مصادیقی از بحران‌های زیست‌محیطی است که هم اکنون بعضاً در ایران نیز مشاهده می‌شود.

در سال‌های اخیر، کشورها به اهمیت مسائل زیست‌محیطی پی برده‌اند و با احساس خطر نسبت به این مسأله، به وضع برخی قوانین در سطح ملی و یا تنظیم توافقنامه‌های بین‌المللی پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد کشورها در این راستا به دنبال کاهش ضایعات زیست‌محیطی و هم زمان طی نمودن مراحل توسعه می‌باشند و با توجه به شرایط خود ویرایش‌های مختلفی از الگوی توسعه پایدار را دنبال می‌کنند. بدیهی است توفیق این سیاست‌ها منوط به الزام بنگاه‌های خصوصی و دولتی به رعایت ملاحظات زیست‌محیطی است. از آن‌جا که عموماً دولت مجریان قوانین زیست‌محیطی می‌باشند به نظر می‌رسد در الزام بخش خصوصی به رعایت ملاحظات زیست‌محیطی از نوعی توفیق نسبی برخوردار هستند، اما در الزام واحدهای دولتی و به تعبیری ملزم نمودن واحدهای تابعه خود، با نوعی چالش مواجه هستند. چرا که اصولاً واحدهای آلاینده دولتی به دلایل مختلف از قدرت چانه‌زنی بالایی برخوردارند که این موضوع قدرت قانون‌گریزی بالایی را در حوزه محیط زیست برای ایشان به ارمغان می‌آورد. چرا که هدف دولت در انجام فعالیت‌های زیست‌محیطی حفظ مصلحت عمومی است نه مصلحت خصوصی. از این‌رو گاه دولت‌ها ناگزیر دست به اقداماتی می‌زنند که مصلحت عمومی را در پی دارد اما از طرفی منجر به نقض قوانین می‌گردد، این نقض قوانین در برخی از اوقات جنبه زیست‌محیطی به خود می‌گیرد؛ یعنی ممکن است دولت بر اساس منفعت عمومی ناچار دست به اقدامی همچون از بین بردن جنگل‌ها و مراتع به منظور راه‌سازی و تونل‌سازی و دیگر مسائلی از این قبیل گردد

که با توجه اولویت در حفظ منابع عمومی است؛ در این صورت مصلحت بر این است که دولت برخی از قوانین و مقررات را نادیده گرفته و آنها را نقش نماید از این رو در این گونه موارد می‌توان به این موضوع اشاره داشت که مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست گریبانگیر دولت نمی‌باشد.

۳) سازوکارهای حمایت از محیط زیست در پرتو نظریه مصلحت

موفقیت هر نوع تغییر در جامعه و شیوه‌های رفتاری از نامطلوب به مطلوب نیازمند بسترسازی فرهنگی می‌باشد. محیط زیست هم از این قاعده مستثنی نیست؛ به‌ویژه از جهت مشکلات فراوانی که پیش آورده‌ایم ضرورت دارد برای نجات حیات بشری به‌طور اعم و محیط زیست به‌طور اخص فرهنگ توجه به ارزشهای والای محیط زیست سالم یا نسل سوم حقوق بشر را تقویت کنیم و شعارهایی همچون: حفاظت از میراث آیندگان و احترام به حیات و حفاظت از محیط زیست هدیه‌ای است ارزنده به فرزندانمان را آویزه گوش نماییم.

همان‌طور که در ابتدای این بحث بیان گردید دولت به‌منظور حفظ مصلحت و منافع عمومی دست به اقداماتی می‌زند که ممکن است برای اشخاص حقیقی و یا حقوقی مسئولیت مدنی و در برخی از اوقات نیز مسئولیت کیفری به دنبال داشته باشد. نمونه بارز این نوع قانون شکنی را به وضوح می‌توان در قراردادهای دولتی مشاهده نمود؛ که با توجه امور غیرقابل پیش‌بینی و عمل حاکم که ممکن است در شرایط قرارداد بوجود آید، دولت به‌صورت الحاقی و یکطرفه دست به تغییر قرارداد خواهد زد، که انجام این اعمال با توجه به عام المنفعه بودن قراردادها مسئولیت مدنی و یا کیفری به دولت منتسب نمی‌گردد. چرا که حفظ مصالح و منافع عمومی ایجاب می‌نماید که گاه دولت عملی را بر خلاف عرف و اخلاق حسنه انجام دهد.

همان‌طور که می‌دانیم در طی دهه‌های اخیر استفاده بی‌رویه و یا به سخن دیگر سوء استفاده بی‌رویه از منابع زیست‌محیطی جنگل‌ها، مراتع، منابع آبی، نفتی و غیره باعث گردیده است که سلامت محیط زیست به شدت در معرض خطر قرار بگیرد. حمایت از محیط زیست در قوانین داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی همواره مورد تأکید جوامع داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است و تخطی از آن نیز مسئولیت اعم از مدنی و یا کیفری به بار خواهد آورد. حال اگر با توجه به این‌که دولت در قراردادهایی که جنبه الحاقی و یکطرفه دارند، بنا به مصلحت جامعه دست به تخریب محیط زیست بزند، این سؤال مطرح است که آیا می‌توان عمل دولت را که خلاف عرف و اخلاق حسنه است مصلحت عمومی در نظر داشت؟ در پاسخ به این سؤال باید در نظر داشت که گاه عبور از خط قرمزها حتی برای دولت و یا حتی به نفع منافع عمومی جامعه نیز نمی‌تواند مجاز در نظر گرفته شود چرا که انقراض و از بین رفتن محیط زیست و تخریب بی‌رویه آن ولو به نفع منافع عمومی نیز باشد، مجاز نیست و دولت نمی‌تواند دست به اقدام و یا اقداماتی بزند که بیش از حد سلامت محیط زیست را به مخاطره بیندازد. از این رو باید بیان داشت که حمایت از محیط زیست در پرتو نظریه مصلحت بر اقدامات و منافع عمومی دولت ارجعیت دارد و تخطی از آن چه برای اشخاص عادی و چه برای دولت و یا سازمان‌های دولتی نیز مسئولیت به دنبال خواهد داشت. از این رو باید

سازوکارهایی در نظر گرفته شود که تا جایی که امکان دارد دولت در تخریب و استفاده از منابع زیست‌محیطی دوران‌اندیشی و آینده‌اندیشی را در دستور کار خود قرار دهد و مصلحت را آن‌گونه که شایسته سلامت و تضمین محیط زیست می‌باشد در قراردادهای بهره‌برداری و ساخت و ساز به کار بندد.

۱-۳) جنبش‌های حفاظت از محیط زیست

به‌منظور حفظ و مایع و مافع محیط زیست در پرتو نظریه مصلحت این سؤال از آغاز در ذهن هر انسان بشردوستی مطرح می‌گردد که تلاشها برای حمایت از محیط زیست چگونه به یک جنبش بین‌المللی با تأثیرگذاری بر کشورها تبدیل شد؟ بشر هیچگاه به اندازه ۲۰۰ سال گذشته حریص نبوده تا آنجا که تاریخ و یافته‌های مردم شناسان نشان می‌دهند احترام به زمین و مخلوقات یک باور عمومی بود که سقوط حکومتها و جایگزینی حکام نیز از اعتبار آن نمی‌کاست و آن را موجودی می‌پنداشتند که نفس می‌کشد و خوشحال و غمگین می‌گردد و بارها کردن زمین برای چند سال خاک را حاصلخیزتر می‌کردند و به جای سموم شیمیایی از خاکبرگ استفاده و از خاک حفاظت می‌کردند و دامنه تپه‌ها را برای جلوگیری از فرسایش شیار می‌زدند (موتقی، ۱۳۹۰: ۱۳۳).

توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست اساساً نتیجه فرآیندهای قانون‌گذاری است؛ یعنی تدوین ضرورت‌های زیست‌محیطی که به تقویت مباحث حقوق بین‌الملل منجر می‌شود چه به‌صورت طیفی از معاهدات دوجانبه، چندجانبه و چه اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و اسناد توصیه‌ای. به این ترتیب در بسیاری از قضایای بین‌المللی به‌صورت مستقیم به موضوع حفاظت از محیط زیست پرداخته شده است. در نتیجه رویه قضایی زیست‌محیطی در موضوعاتی نظیر خسارت فرامرزی زیست‌محیطی - حقوق آبهای بین‌المللی و حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی متمرکز شده است. قضیه تریل اسملتر مصادیق مسئولیت تضمین تعهدات زیست‌محیطی را یادآور شد. در بسیاری از آراء نظیر قضیه آزمایشات هسته‌ای به‌صورت مشروح به آلودگی فرامرزی اتمسفر زمین پرداخته شده است (همان: ۱۳۴). تا جایی که دیوان بین‌المللی دادگستری در بند ۲۹ رأی مشورتی خود که در سال ۱۹۹۶ در مورد مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاح‌های اتمی اعلام گردید، این امر (یکپارچگی عناصر زیست‌محیطی) را مورد شناسایی قرار داده و یادآور شد که محیط زیست، عنصر مجرد نیست، بلکه مبین قلمرو و حیات، کیفیت زیست، سلامت افراد فعلی بشر و نسل‌های آینده است.

جنبش حفاظت از محیط زیست نه در دهه‌های گذشته بلکه در صدهای گذشته نیز دولت‌ها را ملزم به قانون‌گذاری به‌منظور حمایت از محیط زیست واداشته است، اما متأسفانه تخطی از این قانون‌گذاری‌ها که بیشتر نیز جنبه دولتی به خود می‌گیرد و تخطی از قوانین وضع شده در حفظ منافع محیط زیستی شیرازه این جنبش را به زیر سؤال برده است. سانحه نفتکش لیبرایی «توری کانیون» در ۱۸ مارس ۱۹۶۷ و نیز آلودگی ناشی از خراب شدن سیستم هدایت نفتکش «آموکوکادیز» در سال ۱۹۸۷ در شمال اقیانوس اطلس و مجاور سواحل انگلستان و فرانسه لزوم بسط مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خصوص حفاظت از

محیط زیست در قبال آثار زیانبار فعالیت‌های نفتی را به تصویر کشید (آرش‌پور، ۱۳۹۲: ۱). اما در بسیاری از اوقات دولت‌ها زیر بار این مسؤولیت نرفته و حفاظت از محیط زیست را در خلال قوانینی که تنها بر روی کاغذ نوشته شده و هیچ‌گاه جنبه عملی به خود نگرفته است، قبول دارند.

۲-۳) سازوکار ملی حفاظت از محیط زیست

همان‌طور که می‌دانیم تلاش برای حمایت از محیط زیست در کشورها موجب شده که حقوق مردم بومی برای حفاظت از جنگلهایشان، درخواست روستاییان برای حفاظت از محیط زیست از تأثیرات آلودگی صنعتی هوا، حفاظت از گونه‌های درختان بومی و نمادین و حق حفاظت از پارک‌های ملی به یکی از آرمان‌های در حال تحقق تبدیل شود (مولایی، ۱۳۸۳: ۳۵۷).

در ایران قوانین مختلفی به اهمیت محیط زیست و ضمانت اجرای آن اختصاص یافته است. این قوانین با توجه به تنوع و کثرت منافع زیست‌محیطی وضع گردیده است. از آنجا که بقا و حیا بشر در گرو حفظ و حمایت از محیط زیست محیطی باشد، لذا هیچ منفعت و مصلحتی نمی‌تواند بالاتر از حفاظت از محیط زیست در نظر گرفته شود. پس به این خاطر است که قانون‌گذار در خصوص حفظ منافع زیست‌محیطی قوانین متعددی را وضع نموده است. از جمله این قوانین می‌توان به قانون شکار و صید ۱۳۴۶ اشاره داشت که راجع به حفاظت و حمایت از حیوانات وحشی بوده و شکار و صید را در فصول خاصی ممنوع اعلام کرده است. قانون بعدی راجع به حفاظت از محیط زیست قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلهای ۱۳۵۴ است که مقرمی داشت چراندن دام در منابع طبیعی ممنوع است. مطابق قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا ۱۳۷۴ صاحبان و مسؤولان این‌گونه کارخانجات و کارگاه‌های آلوده کننده به خسارات نقدی محکوم می‌شوند. همچنین قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ در مواد ۶۷۵، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۶ و ۶۸۸ تخریب محیط زیست و منابع طبیعی را جرم تلقی نموده و مجازات‌هایی نظیر جزای نقدی و حبس برای مرتکبین پیش‌بینی کرده است. همان‌طور که در قوانین فوق مشاهده می‌گردد برخی از تخطی از این قوانین جنبه شخصی داشته و هیچ‌گاه مصلحتی برای شخص به‌منظور تخریب و بهره‌برداری غیر مجاز به دنبال ندارد و در برخی اوقات نیز که گاه مسؤول عامل زیان دولت و یا شرکت‌های وابسته به دولتی نیز می‌باشند مستثنی قرار نخواهند گرفت و مصلحت دولتی و منافع عمومی نیز هیچ‌گاه باعث نمی‌گردد که از خط قرمز قوانین زیست‌محیطی عبور نمود.

اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اهمیت خاصی برای حفاظت و توسعه محیط زیست کشور مقرر کرده و سازمان حفاظت از محیط زیست به‌عنوان یک نهاد ملی مسؤولیت حمایت و مراقبت از محیط زیست را عهده‌دار می‌باشد. همچنین وفق قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱ قطع گونه‌های درختانی از قبیل شمشاد، زربین، سرخ‌دار ممنوع و قابل پیگرد است (خورشید، ۱۳۸۸: ۳۱۶).

سازوکارهای ملی حفاظت از محیط زیست در هر شرایطی ایجاب می‌نماید که دولت در وهله نخست مصلحت منافع زیست‌محیطی را در نظر بگیرد، سپس به دنبال منافع و گسترش ارتباطات و معاملات با شرکت‌های داخلی و بین‌المللی و

دولت‌های بیگانه باشد، نمونه بارز تخطی و عبور از خط قرمز زیست‌محیطی را می‌توان در قراردادی که اخیراً میان کشور ایران و چین در خصوص بهره‌برداری از منابع زیست‌محیطی خلیج فارس منعقد گردید اشاره داشت، قرارداد فوق از چند جهت در هاله‌ای از ابهام است چرا که منافع و مصلحت دولت تا اندازه‌ای می‌تواند منجر به تخریب محیط زیست گردد، اگر این منافع از حد بگذرد دیگر نمی‌توان فجایع و زیان‌هایی که پیرو بهره‌برداری غیر مجاز از محیط زیست به وجود می‌آید را جبران نمود. قرارداد اخیر الذکر هر گونه که منافع دولتی را در بر داشته باشد، تمامی قوانینی که کم هم نیستند را نقض نموده و منجر به قراردادی با این کشور بیگانه گردیده که برای همگان مشخص است که منابع زیست‌محیطی اعم از صید بی‌رویه و آلودگی آب‌های خلیج فارس را به همراه می‌آورد و از طرفی ابهام دیگر در این قرارداد مدت آن می‌باشد که دولت بدون در نظر گرفتن اینکه ممکن است تا ۲۵ سال آینده چه اتفاقی برای محیط زیست خواهد افتاد این قرارداد را منعقد نموده است. حتی اگر مصلحت دولت نیز بر انعقاد این قرارداد می‌بود و ضرر و زیان زیست‌محیطی‌ای که به دنبال داشت کمتر از زیانی بود که دولت با توجه به تحریم‌ها و مسائل اخیر جمهوری اسلامی متحمل گردیده است، می‌بایست مدت این قرارداد بسیار کمتر از ۲۵ سال ذکر می‌گردید. در نتیجه می‌توان اذعان داشت که سازوکارهای ملی حفاظت از محیط زیست نیز در برخی از اوقات همانند قراردادی که اخیراً دولت منعقد نموده است هیچ گاه نمی‌توانند از محیط زیست محافظت نمایند. چرا که بهره‌برداری از منابع زیست‌محیطی منجر به انقراض گونه‌های جانوری و آبی می‌گردند و حتی ممکن است حوادثی نیز به بار آورد. این مسائل نه تنها در ایران بلکه در دیگر نقاط جهان نیز به وقوع می‌پیوندد که سازوکارهای حفاظتی از محیط زیست نیز نمی‌توانند جلوی خسارات و تبعات آن را بگیرند. با این حال با توجه به حوادثی که همه ساله در جهان در خصوص آسیبی که به محیط زیست می‌رسد توجه جامعه جهانی را به‌طور روز افزون به خود جلب نموده است، خسارات زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های زیانبار زیست‌محیطی به‌طور منظم در سطوح منطقه‌ای، کشوری و همچنین در سطح بین‌المللی در حال وقوع است. به‌طور کلی می‌توان مصادیق معمول و روبه گسترش آن را شامل آلودگی محیط زیست در اثر فعالیت‌های زیانبار نفتی و همچنین تلفات وارده به گونه‌های مختلف حیاتی از طریق ایجاد تغییرات در طبیعت و اکوسیستم‌های مختلف را برشمرد. با عنایت به مطالب اخیر الذکر و از آنجا که مسؤولیت دولت‌ها در روابط بین‌المللی نتیجه منطقی حق مساوات و برابری آنها در جامعه بین‌المللی است؛ از این رو پرداختن به موضوع مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال آثار زیانبار فعالیت‌های نفتی، جنبه‌ای پر اهمیت از اجرای حقوق بین‌الملل انرژی است و در زمانی که نقض آشکار هنجارها و قواعد اساسی محیط زیست امنیت و آینده بشر را تهدید می‌کند، مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها جایگاه ویژه‌ای می‌یابد (مستقیمی، ۱۳۷۷: ۳).

بعد از پایان جنگ دوم جهانی و تصویب منشور سازمان ملل متحد، توجه جامعه بین‌المللی به یکی از مهمترین آرمانهای بشری که همانا حفاظت از محیط زیست است جلب شد. در سال ۱۹۷۰ میلادی دو سازمان بین‌المللی حفاظت از محیط به تهیه کنوانسیون‌های بین‌المللی و سازوکارهای اجرایی مبادرت ورزیدند (امیرارجمند، ۱۳۷۴: ۳۳۳).

البته بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان بین‌المللی کشتیرانی، بانک جهانی، نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد نظیر سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی برنامه عمران ملل متحد در پاره‌ای موارد با موضوعات زیست‌محیطی در ارتباطند. به این ترتیب حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق داخلی محیط زیست در کنش و واکنش و تأثیرگذاری بر همدیگر هستند. با تصویب کنوانسیون استکهلم در سال ۱۹۷۲ حفاظت از محیط زیست با هدف عملیاتی کردن مفاد توافقات بین‌المللی احیا شد و گام‌های مثبتی را در عطف توجه کشورها به احترام به ارزشهای زیست‌محیطی برداشت. دیگر سازمان بین‌المللی که به منزلت آن کمتر از برنامه محیط زیست ملل متحد نیست مؤسسه دیدبان جهانی است که تاکنون در ۴۰ زمینه اساسی محیط زیست پژوهشهای ارزشمندی را انجام و بر ادبیات حقوق بین‌الملل محیط زیست افزوده است (موثقی، ۱۳۹۰: ۱۴۵). اینها همه نشان از مصلحت حفاظت از محیط زیست را می‌دهد که دولت‌ها را ملزم به اطاعت در برابر قوانینی که به منظور عدم تخریب و بهره‌برداری صحیح از محیط زیست وضع گردیده، می‌نماید. مصلحت حمایت و حفاظت از محیط زیست تا اندازه‌ای حائز اهمیت است که دولت‌ها را به همکاری در خصوص این مهم برافراشته است. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۷ کنفرانس آب و هوا در شهر کیوتو ژاپن با هدف جلوگیری از گرم شدن زمین و تغییرات آب و هوا شروع به کار کرد که تقاضای اقدام سریع بین‌المللی را نمود و کشورهای توسعه یافته دنیا متعهد شدند که تولید گازهای افزاینده گازهای گلخانه‌ای را تا سال ۲۰۱۲ کاهش دهند (همان: ۱۴۸).

یکسال بعد در اجلاس داکا در بنگلادش و ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی ۱۹۹۸ با حضور ۵۰۰ نماینده از طرف سازمان‌های غیردولتی و نمایندگان ۱۹۰ کشور راجع به بیابان‌زایی تشکیل شد و اعلام شد که بیابان‌زایی که حیات یک میلیارد انسان را تهدید می‌کند و فقر و گرسنگی را به ارمغان می‌آورد. در سال ۲۰۰۲ همایش محیط زیست در هند با حضور ۱۷۰ کشور تشکیل شد. در این کنفرانس بر اجرای تعهدات پیمان کیوتو ژاپن ۱۹۹۷ تأکید شد (دبیرسیاقی، ۱۳۸۳: ۱۷۳).

سیستم نظارت جهانی محیط زیست و پایگاه اطلاعات منابع جهانی برنامه محیط زیست ملل متحد در زمینه‌های زیست‌محیطی حیاتی اوضاع اقلیمی و جوی، اقیانوسها، منابع تجدیدشدنی، سموم، آلودگی فرامرزی و عوارض بهداشتی آلودگی را در کانون توجه قرار می‌دهند. سیستم نظارت جهانی محیط زیست دارای ۲۵ شبکه عمده نظارت جهانی است و پایگاه اطلاعات منابع جهانی ۲۱ مرکز شبکه، هر کدام یک پایگاه اطلاعات وابسته در اختیار دارد که در ۱۴۲ کشور فعالیت می‌کنند. بیش از ۳۰۰۰۰ دانشمند و تکنیسین دست اندرکار فعالیت‌های مربوطه هستند. منابع مالی مؤسسه‌هایی که این افراد در آن کار می‌کنند از سوی دولت‌ها و کارگزاربهای بین‌المللی تامین می‌شود (موثقی، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

۴) کاهش مسؤولیت به منظور وجود مصلحت در قراردادهای زیست محیطی

۴-۱) قرارداد عدم مسؤولیت

قرارداد عدم یا مرتفع نمودن کامل مسؤولیت مدنی عبارت است از این که، یکی از طرفین در مقابل مسؤولیت ناشی از فعل نامشروعش که فعلی خارج از روابط قراردادی است، به طور کلی معاف باشد. به بیان دیگر، قراردادی که بین مسؤول و زیان دیده احتمالی آینده بسته می شود و به موجب آن، مسؤول از پرداختن تمام یا بخشی از خسارات معاف می گردد، آن را شرط عدم مسؤولیت می نامند. بنابراین، موضوع این قرارداد، معاف شدن از تعهد به جبران خسارت است.

اما در صحت این نوع قرارداد اختلاف نظر وجود دارد. آنهایی هم که مخالف این نوع قرارداد هستند، خود به دو گروه تقسیم می شوند:

گروهی از آنها بر این اعتقادند که چنین توافقی ممکن نیست و گروه دیگر بر این نظرند که تصور چنین توافقی ممکن است ولی با نظم عمومی مخالفت دارد.

استدلال گروه اول این است که، چگونه چنین توافقی در این جا ممکن است؟ و حال آن که، کسی از قبل نمی داند که چه شخصی در آینده از عمل نامشروع او زیان خواهد دید (السنهوری، ۱۹۹۵: ۹۷۷). به بیان دیگر سخن، مسؤول و زیان دیده یک دیگر را پس از وقوع ضرر می شناسد، برخلاف مسؤولیت قراردادی که در همان ابتدای قرارداد، مسؤول و زیان دیده نسبت به هم شناخت پیدا می کنند. پس چگونه مسؤول می تواند زیان دیده را معین نموده و با او توافق نماید و به موجب این توافق، مسؤولیت خود را مرتفع سازد؟

بنابراین، تنها بعد از تحقق مسؤولیت است که توافق آنها متصور است. از این رو، قرارداد عدم مسؤولیت در مسؤولیت مدنی قابل تصور نیست (زکی، ۱۹۸۷: ۱۵۰).

پاسخ این استدلال این است که، هر چند که این سخن صحیح باشد، ولی در مواردی از مسؤولیت مدنی این امکان وجود دارد که قبل از ورود ضرر، می توان بر اساس اوضاع و احوال، مسؤول و زیان دیده را شناخت. به بیان دیگر، بین مسؤول و زیان دیده رابطه ای وجود دارد مانند رابطه ی همسایگی و رابطه ی دوستی و احتمال می رود که در آینده یکی مسؤول و دیگری زیان دیده واقع شود (السنهوری، ۱۹۹۵: ۹۷۷).

هم چنین مواردی وجود دارد که اگر چه شخص نمی تواند اشخاصی را که از جانب او دچار خسارت می شوند پیش بینی کند، ولی می تواند آثار زیانباری را که در یک محدوده مشخص بر فعلش مترتب می شود پیش بینی نماید و بر همین اساس، می تواند با زیان دیده احتمالی در رفع آثار زیان بار در مقابل نوعی عوض توافق کند (زکی، ۱۹۸۷: ۱۵۰).

اما استدلال گروه دوم که تصور چنین قراردادی را ممکن ولی به دلایلی آن را باطل می دانند این است که، محتوا و مضمون قرارداد عدم مسؤولیت غیر قراردادی به منزله ی بری ساختن متعهد از دینی است که هنوز ایجاد نشده است و این به معنای

اسقاط مالم یجب است و آن هم باطل است. به بیان دیگر، همان‌گونه که ابراء نسبت به دین موجود امکان دارد و نسبت به تعهد احتمالی در آینده صحیح نیست، قرارداد عدم مسؤولیت هم به دلیل موجود نبودن آن در هنگام اسقاط، اثر حقوقی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۵۶).

در پاسخ این استدلال گفته شده است که، قرارداد با شرط عدم مسؤولیت با ابراء تفاوت دارد. موضوع ابراء، دین است ولی موضوع قرارداد عدم مسؤولیت دین نیست تا بتوان گفت چون موضوع آن موجود نیست پس باطل است؛ بلکه موضوع آن، منع از ایجاد مسؤولیت است؛ یعنی از تحقق مسؤولیت جلوگیری می‌کند نه این که دین را اسقاط می‌کند. به دیگر سخن، قرارداد عدم مسؤولیت بدین معناست که، هرگاه در آینده شرایط تحقق مسؤولیت ویژه‌ای جمع شود آن مسؤولیت به وجود نیاید؛ یعنی مفاد توافق ناظر به آینده و با توجه به احتمالی بودن آن است و چنین توافقی نامعقول نیست (همان: ۳۵۶).

آن چه از قوانین مربوط به مسؤولیت غیرقراردادی بر می‌آید این است که در غالب موارد، هدف قانون‌گذار از وضع قانون، منافع خصوصی اشخاص بوده است نه جامعه؛ چون اولاً این قوانین ناظر به جبران خسارت خصوصی زیان‌دیده به وسیله دادن مبلغی پول است و ثانیاً لازمی این که هدف قانون‌گذار از این قوانین منافع جامعه باشد، این است که حداقل در بعضی موارد زیان دیده نتواند پس از ورود زیان از حق خویش بگذرد و حال آن که زیان دیده پس از ورود ضرر، همیشه می‌تواند از حق خویش صرف نظر کند.

از این‌رو، قوانین مربوط به مسؤولیت غیرقراردادی از جمله قواعد آمره نیست و یا این که به تعبیر برخی از حقوق دانان، ارتباط مواد مربوط به ضمان قهری با نظم عمومی قاطع به نظر نمی‌رسد و به دشواری می‌توان ادعا کرد که اجرای قواعد آن، در همه حال با نظم عمومی ارتباط دارد و در قلمرو قراردادهای خصوصی قرار نمی‌گیرد (همان: ۳۵۶).

۲-۴) قرارداد عدم مسؤولیت در موارد اضرار به اشخاص و محیط زیست

اکثر حقوق دانان صحت قرارداد عدم مسؤولیت را در حیطه ضررهای مالی می‌پذیرند و چنین بیان می‌کنند که اگر ضرر وارد بر مال از خطایی سبک ناشی شده باشد، توافق بر عدم مسؤولیت در مورد آن مانعی ندارد (صفای، ۱۳۶۴: ۱۷۲)؛ ولی این قرارداد را در حیطه‌ی ضرر وارده بر جسم، حتی در موردی که مسؤولیت ناشی از خطای ناچیز و سبک باشد باطل می‌دانند؛ خواه خسارت مربوط به سلامت جسمی او باشد مانند صدمات بدنی و خواه مربوط به سلامت معنوی او مانند آزادی، شرف و آبرو (زکی، ۱۹۸۷: ۵۷).

برخی از نویسندگان در این مورد نیز، این قرارداد را مشروع می‌انگارند و استدلال می‌کنند که مرجع آن در این گونه مسؤولیت‌ها، معاف شدن از پرداخت مبلغی پول است و تفاوتی با سایر مسؤولیت‌های مالی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۵۷). اما باید پذیرفت که چنین استدلالی قابل قبول نیست؛ زیرا حیثیت، آبرو، آزادی و سلامت جسمی انسان خیلی بالاتر از آن است که بتوان آن را در دایره معامله و قرارداد گنجاند و از بین بردن این مسؤولیت، بخشی از تضمین اجتماعی حقوق مربوط به

شخصیت را از بین می‌برد (همان: ۳۵۷). و اساساً جسم آدمی نمی‌تواند موضوع توافقی‌های مالی قرار بگیرد (السنهوری، ۱۹۹۵: ۹۸۰).

بنابراین، سلامت اشخاص اعم از سلامت جسمی و معنوی متعلق به نظم عمومی است. و چون نظم عمومی و مصلحت جامعه حکم می‌کند که باید در جهت حقوق انسانها نهایت تلاش را انجام داد و این نوع قرارداد سبب می‌شود که افراد به حقوق و شئون انسانی دیگران احترام نگذارند و در رعایت آن کوتاهی کنند؛ به همین دلیل، هیچ کسی حق ندارد در نفس، حیات، جسم، شرف، شعور و عواطف خویش تصرف غیر مجازی را انجام دهد. در نتیجه هر تصرفی که موجب تجاوز به سلامت انسان شود باطل است (زکی، ۱۹۸۷: ۵۸).

و اما در حوزه مسؤولیت مدنی زیست‌محیطی، تقصیر عمدی نادر به نظر می‌رسد؛ زیرا در تقصیر عمدی قصد انتقام نهفته است و هیچ کس با محیط زیست مبارزه نمی‌کند تا عمداً ضرر وارد کند، بلکه غالباً آلودگی زیست‌محیطی، سر منشأ آن استفاده و تحصیل منفعت است که به‌طور ناخواسته و از روی بی‌احتیاطی منتج به انواع آلودگی‌ها می‌گردد.

برای مثال، وقتی که کشتی غول پیکر به مسیر عادی خود در دریا ادامه می‌دهد و بدون توجه به آلوده نمودن آب، نفت اضافی را برای توازن خود در آبهای دریا رها می‌نماید، یا کشورهای نفت‌خیز برای کسب درآمد با انواع تکنولوژی در پی نصب و راه‌اندازی تأسیسات نفتی در دریا هستند و به دلیل بی‌احتیاطی و سهل‌انگاری، محیط زیست دریا را آلوده می‌نمایند و یا صاحب کارخانه‌ای که مستقر در خشکی می‌باشد با بی‌احتیاطی، فاضلاب و پسابهای خود را به رودخانه هدایت و به دریا منتقل می‌کند و نظایر این؛ در تمام این موارد، عامل قصد تحصیل نتیجه یعنی آلودگی محیط زیست را ندارد، بلکه از روی بی‌احتیاطی مرتکب فعل یا ترک فعل می‌گردد.

به موجب بند ۲ ماده ۴ قانون مسؤولیت مدنی، در مواردی که غفلت قابل اغماض است و جبران زیان ناشی از آن، سبب تنگدستی مقصر می‌گردد، دادگاه می‌تواند خسارت را تخفیف دهد.

در هر صورت، در حوزه مسؤولیت مدنی زیست‌محیطی نیز هیچ قراردادی نمی‌تواند مسؤولیت کسی که به دیگری یا به محیط زیست ضرر زده است را از بین ببرد. نافذ شناختن چنین قراردادی به مرتکب اجازه هر گونه رفتاری را می‌دهد و او را در اقتدار به دیگران و محیط آزاد می‌گذارد. انعقاد این نوع قرارداد به شرکت‌ها و کارخانجات بزرگ صنعتی و حفاران معدنی و دیگر مراکز آلاینده، این اجازه را می‌دهد که برای رسیدن به سود بیشتر، هر گونه رفتار پرخطر و خسارت بار زیست‌محیطی را انجام دهند.

بر این اساس، باید گفت که با توجه به این که اشخاص تابع حقوق عمومی مانند سازمان حفظ محیط زیست، سازمان میراث فرهنگی، وزارت نیرو، شهرداری‌ها و... همیشه باید مصالح و منافع عمومی جامعه را در نظر داشته باشند و نیز با لحاظ این که، وظایفی که بر عهده‌ی این ارگانها و نهادهای عمومی گذاشته شده است در قالب قوانین امری تنظیم شده اند؛ از این رو، این سازمان‌ها و نهادها که تابع حقوق عمومی هستند حق انعقاد قرارداد عدم مسؤولیت را با مراکز آلاینده ندارند و چنین

قراردادهایی برخلاف قانون و نظم عمومی بوده و باطل است. چرا که قانون محیط زیست صریحا ایجاد آلودگی را ممنوع می‌داند و یا قانون میراث فرهنگی، تخریب آثار ملی و نفایس فرهنگی را ممنوع و جرم دانسته است.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در خلال مباحث این مقاله اشاره گردید، استفاده بی‌رویه و بهره‌برداری غیر مجاز از محیط زیست صدمات و لطمات جبران ناپذیری به منابع زیست‌محیطی خواهد زد، از آن‌جا که حیات و بقای انسانها نیز در گرو سلامت محیط زیست است، از این رو مصلحت بر آن است که تا حد امکان به قوانین متعددی که چه در زمینه داخلی و چه در زمینه بین‌المللی وضع گردیده، توجه گردد. بی‌توجهی به محیط زیست منجر به ورود صدمات جبران ناپذیر، از دست دادن فرصت‌ها و انزوای اقتصادی و در نهایت توقف رشد کشورها خواهد شد. در عین حال حمایت از محیط زیست مستلزم اصلاح و جایگزینی یک نظام سیاسی و اقتصادی مکمل و مترقیانه است که قادر باشد تهدیداتی را که متوجه محیط زیست است را از همان آغاز برطرف نماید.

در اکثر مواقع اجرای مقررات حفاظت از محیط زیست به دلیل کمبود تجهیزات و فقدان نیروی متخصص و بی‌توجهی دولت‌ها با کندی توأم است، بدون شک محیط زیست از اهم ارزش‌های اساسی و مشترک همه جوامع انسانی در جهان است. اکثر قریب به اتفاق آلودگی‌ها نتیجه بکارگیری انبوه تکنولوژی افسار گسیخته بوده که موجب وقوع حوادث زیست‌محیطی حاد می‌گردند؛ اقدام قضایی (کیفری و حقوقی توأم) بهترین ابزار بهبود وضعیت محیط زیست است.

به‌عنوان نتیجه کلی‌ای که می‌توان از بحث برداشت نمود این است که اقدامات قضایی با توجه به مصلحت محیط زیست اغلب گریبانگیر اشخاص حقیقی می‌گردد و در پاره‌ای از اوقات خسارت‌هایی که به محیط زیست اعمال می‌شود و این خسارت‌ها از ناحیه دولت می‌باشد، دولت انجام این اعمال را بنا به مصلحت و حفظ منافع عمومی دانسته در نتیجه مسئولیتی را چه حقوقی و چه کیفری منتسب به خود نمی‌داند. اما گاهی نیز مصلحت جامعه منجر به نابودی و انقراض کامل گونه‌ای از محیط زیست می‌گردد که در این صورت هرچقدر نیز بهره‌برداری بیش از حد جنبه عام المنفعه داشته باشد، مصلحت ایجاب می‌نماید که حفاظت و سلامت محیط زیست مدنظر قرار گرفته شود. لذا در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که در آلودگی‌های زیست‌محیطی مصلحت دوسویه می‌باشد، گاه کفه این تراوز به نفع دولت می‌باشد و مصلحت را در مانع و مصالح عمومی در نظر می‌گیرد و مسئولیتی را منتسب خود نمی‌داند و گاه مصلحت در حفظ و حمایت از محیط زیست است و حتی منافع عمومی نیز نمی‌توانند مسئولیتی را از گردن دولت برهانند.

۱. آرش پور، علیرضا، مسؤولیت بین‌المللی تعهدات زیست‌محیطی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.
۲. امیرارجمند، اردشیر، حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، ۱۳۷۴.
۳. بهرامی احمدی، حمید، مبانی مسؤولیت مدنی دولت در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی، مجله دانش حقوق عمومی، سال سوم، شماره ۷، ۱۳۹۳.
۴. خورشیدی، حسین، ضمانت اجرای‌های حفاظت محیط زیست و توسعه پایدار در حقوق ایران در کتاب حقوق محیط زیست (نظریه‌ها و رویه‌ها) به اهتمام احمدعلی محسن زاده، نادر ساعد، علی سمیعی، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۸.
۵. دبیرسیاقی، منوچهر، بحران محیط زیست، چاپ اول، نشر حدیث امروز، ۱۳۸۳.
۶. زکی محمود، جمال الدین، مشکلات المسؤولیه المدنیه، مصر مطبعه جامعه القاهره ۱۹۸۷.
۷. السنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، جلد اول، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۵.
۸. صفایی، سید حسین، مفهوم تقصیر سنگین در ارتباط با شرط عدم مسؤولیت، مجله حقوقی، شماره ۴، ۱۳۶۴.
۹. کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده، چاپ نهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
۱۰. مستقیمی، بهرام، طارم سری، مسعود، مسؤولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۱. موثقی، حسن، دیوان بین‌المللی محیط زیست در کشاکش آرمان و واقعیت، چاپ اول، تهران، انتشارات فروزش، ۱۳۹۰.
۱۲. مولایی، یوسف، حق توسعه و جهان شمولی حقوق بشر در کتاب نسل سوم حقوق بشر حقوق همبستگی) به اهتمام امیر ساعد وکیل و پوریا عسگری، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۸۳.